

کارکردهای مبانی هستی‌شناسی تعیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۷

۳۵ مجتبی غفاری*

چکیده

پیشرفت برای جمهوری اسلامی یک ضرورت است. یکی از ابعاد پیشرفت، مقوله پیشرفت در اقتصاد است. پیشرفت در اقتصاد نیازمند الگو است و اولین قدم در طراحی الگو، تعیین اهداف است. بر اساس نظر رهبر معظم انقلاب، اهداف باید بر اساس مبانی هستی‌شناختی تنظیم شوند. در این مقاله نظام اهداف پیشرفت اقتصادی بر اساس کارکردهای مبانی هستی‌شناختی طی چهار مرحله جمع‌آوری، مرتب، منظم و نظام‌مند کردن از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و سپس تبیین شده‌اند. کارکرد مبانی هستی‌شناختی تعیین ساختار و تبیین اهداف است. بر این اساس ساختار اهداف شامل هدف نهایی، هدف میانی، اهداف مقدماتی و وظایف فردی است و باید ابعاد مادی و معنوی و دنیوی و اخروی در آنها در نظر گرفته شود. بر اساس نتایج، هدف نهایی سعادت، هدف میانی تشکیل حیات طیبه، اهداف مقدماتی (اهداف اجتماعی مادی) شامل عدالت، رشد، رفاه مادی، امنیت و استقلال است. بدون تحقق معنویت اجتماعی، اهداف اجتماعی محقق نمی‌شود. برای فرد نیز در بعد مادی و معنوی نیز وظایف و مسئولیت‌هایی وجود دارد.

واژگان کلیدی: پیشرفت اقتصادی، هدف نهایی، هدف میانی، حیات طیبه، رهبر معظم انقلاب.

طبقه‌بندی JEL: O10, P10, E61

مقدمه

از نظر رهبر معظم انقلاب، در مسیر انقلاب اسلامی، توقف به معنای عقب‌گرد است و عقب‌گرد نیز به معنای بازگشت به دوران دوزخی قبل از انقلاب است؛ لذا اگر بخواهیم دچار رکود، ذلت و عقب‌گرد نشویم، باید دائم پیشرفت کنیم (بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱/۳/۱۴). در بیان دیگری ایشان می‌فرمایند: «رکود، سکون و سکوت موجب جمود، تحجر و کهنگی می‌شود و به دنبال کهنگی نیز ویرانی حاصل می‌شود» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳). همچنین از نظر ایشان، در همه زمینه‌های مربوط به انسان‌ها، رشد و وسایل رشد، امری است که خداوند از انسان خواسته است و کسی که رشد را در خود و محیط پیرامون خود به وجود نمی‌آورد، کفران نعمت کرده است (بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۴/۰۸/۱۷)؛ بنابراین از طرفی عدم پیشرفت موجب بازگشت به عقب و از طرف دیگر موجب کفران نعمت است؛ بنابراین پیشرفت برای انقلاب اسلامی یک ضرورت است.

پیشرفت نیازمند الگو است. الگوهای غربی به دو دلیل تفاوت در مبانی و ناموفق بودن، مناسب برای جمهوری اسلامی نیستند. از نظر رهبری الگوهای غربی با شرایط، اصول و مبانی تمدن غرب شکل پیدا کرده‌اند. از طرفی برای کشورهای دیگر و حتی خود کشورهای پیشرفته هم فاجعه بار بوده است. پیشرفت غربی برای کشورهای دیگر اسارت، تحقیر، استعمار، جنگ و تحمیل حکومت را به همراه داشته است. برای کشورهای پیشرفته هم نه تنها اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و... را رواج داده، بلکه حتی از لحاظ وضع زندگی هم به آنها خدمتی نکرده است؛ زیرا فقر را نابود نکرده است؛ بلکه گروه‌های معدود و انگشت شماری را به ثروت رسانده است (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۱۳۸۶/۲/۲۵)؛ بنابراین لازم است جمهوری اسلامی الگویی برای پیشرفت داشته باشد. اولین قدم نیز در طراحی الگو برای پیشرفت، تعیین اهداف است.

از نظر رهبر معظم انقلاب، یکی از ابعاد پیشرفت، پیشرفت در اقتصاد است (بیانات در دیدار با اقتصاد دانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵)؛ بنابراین یکی از ابعاد الگوی پیشرفت نیز مربوط به پیشرفت در اقتصاد است. اولین قدم در طراحی الگو

برای پیشرفت اقتصادی نیز، تعیین اهداف است. هدف این مقاله، تبیین کارکرد مبانی در تعیین اهداف و تبیین اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. با توجه به اهمیت تعیین اهداف و همچنین اهمیت مسائل اقتصادی، رهبری توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته‌اند. این مقاله با روشی که در ادامه توضیح داده می‌شود به بررسی اهمیت تعیین اهداف، کارکرد مبانی در تعیین اهداف و ترسیم اهداف پیشرفت اقتصادی می‌پردازد. در مورد روش، رهبری در بیانی به یک روش اشاره می‌کنند. ایشان چهار مرحله جمع‌آوری، مرتب، منظم و نظام‌مند کردن را مطرح می‌کنند.^۱ در این پژوهش همین روند پیگیری شد. در این راستا، برای انجام این پژوهش ابتدا بیانات رهبری طی ۱۷ سال^۲ (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۳) به طور دقیق مطالعه و فیش‌برداری شد. در این مرحله کلیاتی از اندیشه رهبری روشن و چارچوب کلی پژوهش مشخص شد. در ادامه برای هر موضوع با تکیه بر کلیات و چارچوب، جستجوی دقیق و کامل در بیانات تا اردیبهشت سال ۱۳۹۷ صورت می‌گرفت و برای هر موضوع مجموع بیانات جمع‌آوری می‌شد. مجموع بیانات چندین بار با دقت مطالعه و مرتب می‌شد تا بتوان نظامی منسجم در میان مطالب برقرار کرد. بعد از مشخص شدن نظم در مجموع بیانات، تألیف آن موضوع بر اساس نظم مشخص انجام می‌شد. در ادامه پس از ذکر پیشینه، اهمیت و چگونگی تعیین اهداف بررسی شده، سپس کارکردهای مبانی هستی‌شناختی در تعیین اهداف مشخص شده و بر این اساس ساختار اهداف در پیشرفت اقتصادی ترسیم شده است. در نهایت نیز ساختار ترسیم شده، تبیین شده است.

^۱ ما هم برای سرجمع کردن، مدوّن کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه علمی احتیاج داریم (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

^۲ از این جهت سال‌های اول انتخاب شد که معمولاً برای ترسیم یک چارچوب کلی از یک اندیشه، در نظر گرفتن صحبت‌های پایه‌ای و مبنایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در اوایل یک انقلاب نیز مباحث پایه‌ای و مبنایی اهمیت بسیاری دارد. رهبری نیز در سال‌های مورد نظر بیشتر به این موضوعات مورد نظر پرداخته‌اند. لذا بیانات ایشان در اوایل مسئولیت پراهمیت هستند.

پیشینه پژوهش

برای بررسی پیشینه در ادبیات اقتصادی، به چهار دسته مطالعات می‌توان رجوع کرد. دسته اول، مطالعاتی است که به بررسی پیشرفت اقتصادی در اسلام پرداخته‌اند. *یزدی* (۱۳۹۵) به بررسی مفهوم، ارکان و شاخصه‌های پیشرفت اقتصادی از منظر قرآن و حدیث پرداخته است. اهداف پیشرفت اقتصادی در این مطالعه بررسی نشده است. کتاب *ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام* (ثابت، ۱۳۹۳) نیز به بررسی پیشرفت در اسلام پرداخته است. این کتاب به صورت بسیار مختصر به بررسی نظریه رهبری در مورد پیشرفت هم پرداخته است. در این کتاب آمده است، از نظر رهبری، پیشرفت دارای صورت و محتوا است. در مورد اهداف پیشرفت، اهداف به دو قسمت غایی و مقدماتی تقسیم شده و هدف غایی را تکامل انسان و اهداف مادی به عنوان اهداف مقدماتی در نظر گرفته شده است. این بیان از اهداف، بیان ناقصی است. با توجه به نقص در بیان اهداف، در قسمت دیگری با عنوان تلازم عدالت و پیشرفت موضوع عدالت در پیشرفت به صورت مختصر ذکر شده است.

دسته دوم، مطالعاتی که به بررسی ابعاد اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند؛ به طور مثال *صادقی شاهدانی* و *محسنی* (۱۳۹۲) به بررسی بایسته‌های نظام مالی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند. *سرخ‌دهی* و *نادری‌نژاد* (۱۳۹۵) نیز به بررسی اقتصاد مردمی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند. در این مطالعات نیز مطالعه‌ای که به بررسی اهداف پیشرفت اقتصادی پرداخته باشد، یافت نشد.

دسته سوم، مطالعاتی هستند که به بررسی موضوع پیشرفت در اندیشه رهبری پرداخته‌اند. *قاضی میرسعید* و *تاج‌آبادی* (۱۳۹۵) به بررسی مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه رهبری با استفاده از روش شبکه مضامین پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سه مضمون قدرت درون‌زا، عدالت و اسلامی بودن پیشرفت، مضامین فراگیر پیشرفت در اندیشه رهبری هستند. *شفیعا* و *موسوی لقمان* (۱۳۹۲) به بررسی نقش مردم در پیشرفت در اندیشه رهبر معظم انقلاب با روش داده‌بنیاد پرداخته‌اند.

دسته چهارم، مطالعاتی است که به بررسی اهداف نظام اقتصادی اسلام پرداخته‌اند. *یوسفی* (۱۳۹۵) به بررسی اهداف فردی و اهداف کلان نظام اقتصادی پرداخته است. این مطالعه اهداف تأمین منافع مادی شخصی، منافع مادی دیگران و اخروی خویش، منافع

مادی خود و سایرین را برای فرد تعریف می‌کند. همچنین رفاه مطلوب را به عنوان هدف عالی نظام اقتصادی و عدالت، آبادانی، رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی را به عنوان اهداف میانی و ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و... را نیز به عنوان اهداف مقدماتی در نظر می‌گیرد. همان‌طور که در مقاله روشن می‌شود، ساختار اهداف در نظر رهبری، متفاوت با ساختاری است که این مطالعه در نظر گرفته است. البته مطالعات دیگری مثل میرمعزی (۱۳۹۱) نیز به تعیین اهداف نظام اقتصادی پرداخته‌اند. ساختار مورد نظر این مطالعات نیز متفاوت با ساختاری است که این مقاله پیشنهاد می‌دهد.

در خصوص موضوع پیشرفت، مطالعه‌ای که به بررسی اهداف پیشرفت اقتصادی از منظر رهبری پرداخته باشد، یافت نشد.

اهمیت و چگونگی تعیین اهداف

هدف در عربی و فارسی با تعابیر مختلفی چون غرض، مقصد، مقصود، منظور و انگیزه آمده است و می‌توان گفت مترادف با غایت به معنای انگیزه حرکت است (جرجانی، ۱۳۰۶، ص ۶۹). البته در اصطلاح فلسفی به معنای منتهی‌الیه حرکت نیز است (سجادی، ۱۳۶۶، ۲/ ۱۳۶۶). برخی نیز در تعریف هدف گفته‌اند: «هدف یعنی آنچه انسان برای رسیدن به آن بکوشد» (معین، ۱۳۶۳، ۴/ ۵۱۰۸). در موضوع پیشرفت، اگر پیشرفت را به عنوان یک حرکت در نظر بگیریم، از یک نقطه آغاز و به نقطه دیگر منتهی می‌شود. نقطه آغاز این حرکت «وضع موجود» است و نقطه انتهایی این حرکت، همان هدف یا «وضع مطلوبی» است که این حرکت برای آن انجام شده است (فاکر میدی، ۱۳۹۳).

از نظر رهبری تعیین اهداف مهم است. از نظر معظم له، بزرگترین خطر این نیست که ما از رفتن باز بمانیم یا خسته شویم؛ بلکه بزرگترین خطر این است که چشم‌انداز ترسیم شده و اهداف تعریف شده را گم کنیم (بیانات در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور، ۲۰/ ۳/ ۱۳۶۸). رهبری یکی از دلالت‌های آیه ۱۱۲ سوره هود «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ» در مورد استقامت را از یاد نبردن اهداف می‌دانند (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۴/ ۹/ ۱۳۶۹). از نظر رهبری، مبانی هستی‌شناختی تأثیر اساسی در تعیین اهداف دارد (بیانات در جلسه هشتم تفسیر سوره بقره، ۲۴/ ۷/ ۱۳۷۰). دلیل این امر هم

مشخص است؛ زیرا وقتی مبنا، یک تفکر و یک اندیشه منظم و مدون نباشد، هدف‌ها هم به همان نسبت تابع حوادث و پیشرفت‌های عالم و امیال مردم و گروه‌ها خواهد بود (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹). شهید مطهری هم به این موضوع تصریح می‌کنند:

«جهان‌بینی نوع برداشت و طرز فکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آنها دعوت می‌کند، باید و نبایدهایی که انشا می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی است که عرضه داشته است (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۷۵).

همان‌طور که در بیان شهید مطهری هم ذکر شده و رهبری نیز بر آن تأکید می‌کنند (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹)، در اینجا منظور از مبانی، مبانی هستی‌شناسی یا همان جهان‌بینی است؛ بنابراین در تعیین اهداف باید مبانی هستی‌شناختی را در نظر گرفت.

کارکردهای مبانی هستی‌شناختی در تعیین اهداف

مبانی، دو نوع کارکرد در تعیین اهداف دارند. کارکرد اول تعیین، ساختار اهداف است. منظور از تعیین ساختار، تعیین چگونگی تنظیم جایگاه هر یک از اهداف است. در ادامه مهم‌ترین کارکردهای مبانی هستی‌شناسی در جهت تعیین ساختار اهداف را بررسی می‌کنیم. مطابق با مبانی جامعه‌شناسی در اندیشه رهبر معظم انقلاب، در اسلام دو نوع نگاه به انسان وجود دارد. نگاه فردی و نگاه جمعی (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵). رهبری در موارد مختلف مثل تقوای فردی و تقوای جمعی (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰/۳/۸)، سعادت فردی و سعادت جمعی (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۹)، خلیقات فردی و خلیقات جمعی (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران امور حج، ۱۳/۱۲/۱۳۷۶) و... به این موضوع توجه داشته‌اند؛ بنابراین باید اهداف را در دو سطح فردی و اجتماعی تعریف کنیم.

مطابق مبانی انسان‌شناسی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است (بیانات در دیدار افشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۹/۱۵)؛ بنابراین باید در ترسیم اهداف پیشرفت به این دو بعد توجه داشته باشیم.

مطابق مبانی جهان‌شناسی، پس از مرگ، انسان وارد دنیای آخرت می‌شود و پس از زندگی دنیا، حساب‌وکتاب در کار است. مطابق این اصل، انسان باید در سرتاسر زندگی خود و در انتخاب‌های خود در مسیر رسیدن به اهداف به این موضوع توجه داشته باشد؛ بنابراین مطابق این اصل، وظایف مهمی بر دوش انسان وجود دارد.

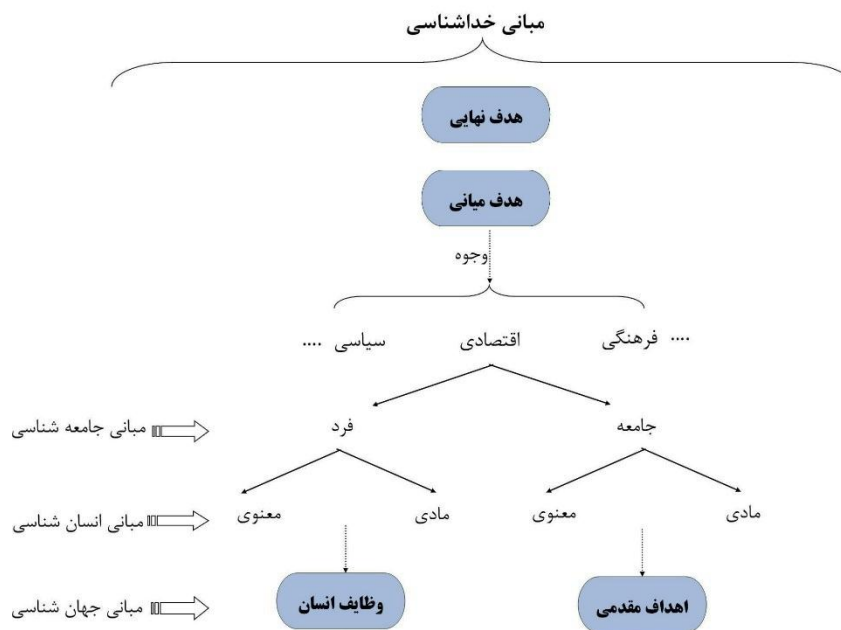
قابل ذکر است که مهم‌ترین مبنای هستی‌شناختی، خداشناسی است و دیگر مبانی بر اساس آن تبیین و توصیف می‌شوند (بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۳۱/۰۶/۱۳۶۶). مطابق آنچه ذکر شد، در ترسیم اهداف پیشرفت باید فرد و جامعه، ابعاد مادی و معنوی، دنیا و آخرت مورد توجه قرار گیرد.

کارکرد دوم مبانی، تعیین، تبیین و توصیف اهداف است. در ادامه مطابق با کارکردهای ذکر شده، اهداف، در اندیشه رهبر معظم انقلاب تعیین و تبیین می‌شوند. لازم به ذکر است این مقاله در مقام استخراج اهداف از مبانی نیست، بلکه به دنبال استخراج اهداف مطابق با ساختار ایجاد شده بر اساس مبانی، در اندیشه رهبر معظم انقلاب است.

ترسیم ساختار اهداف در پیشرفت اقتصادی

با تحلیل بیانات رهبری^۱ به این نتیجه می‌رسیم که می‌توانیم اهداف را در سه سطح هدف نهایی، هدف میانی و اهداف مقدماتی ترسیم کنیم؛ بنابراین مطابق با دلالت‌های مبانی، نظام اهداف مطابق نمودار زیر است:

^۱ در ادامه مقاله به بیانات مورد نظر اشاره خواهد شد.



مطابق نمودار، نظام اهداف، متشکل از هدف نهایی، هدف میانی، اهداف مقدماتی و وظایف فردی است. هدف میانی دارای وجوه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... است. هرکدام از این وجوه، دارای دو مؤلفه فردی و اجتماعی هستند و هرکدام از این دو مؤلفه، دارای ابعاد مادی و معنوی هستند. در ادامه به صورت مختصر به بررسی نظام اهداف در اندیشه رهبری می‌پردازیم.

هدف نهایی

از نظر رهبر معظم انقلاب، هدف نهایی نظام اسلامی، سعادت است و در بیان‌های متعددی به آن اشاره نموده‌اند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۷/۰۶/۰۲)؛ بنابراین هدف نهایی پیشرفت اقتصادی نیز سعادت است. لازم به ذکر است قرب الهی، تکامل انسان و رضایت پروردگار ترجمان‌هایی از سعادت در

آموزه‌های اسلامی است و رهبری نیز به این معانی اشاراتی داشته‌اند (بیانات در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸).^۱

هدف میانی

هدف میانی نظام اجتماعی اسلام، در بیان رهبری، تحقق حیات طیبه اسلامی است (بیانات در صحن جامع رضوی؛ ۱۳۸۳/۱/۲). از نظر معظم له، تلاش همه دلسوزان بشر، راهنمایان بزرگ انسان، انبیای عظام و اولیا و مجاهدان فی سبیل الله در طول تاریخ، این بوده که حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند. از طرف دیگر، سعی همه دشمنان انسان، شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طیبه دور کنند. از نظر ایشان تنها اگر حیات طیبه محقق شد، انسان می‌تواند به سعادت برسد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲)؛ بنابراین تشکیل حیات طیبه، هدف میانی است. در ادامه به تبیین ابعاد اقتصادی حیات طیبه در قالب اهداف می‌پردازیم.

اهداف مقدماتی (در بعد اقتصادی)

۱. عدالت

از جمله اهداف مقدماتی برای تشکیل حیات طیبه، عدالت است (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۳/۱/۲). مطابق تصریح رهبر معظم انقلاب، عدالت به عنوان یک هدف نهایی مطرح نیست؛ زیرا همان‌طور که ذکر شد، هدف نهایی رستگاری انسان است (بیانات در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰). از نظر ایشان هدف بعثت نبی اکرم ﷺ در قلمرو حیات اجتماعی (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱ / ۱۱ / ۰۱) و مهم‌ترین عنصر در اداره امور زندگی مردم که بیشترین تأکید در قرآن و حدیث به آن شده و چیزی که جامعه اسلامی با آن قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد، مبشر، هدایت‌گر، الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱ / ۰۳ / ۳۰)، عدالت است (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۶۸/۶/۲۰). این اهمیت

^۱ همچنین: بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴ / ۰۲ / ۱۳۸۷؛ بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۳۰ / ۰۱ / ۱۳۶۹ و بیانات در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام ﷺ»، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۷۳.

تا جایی است که بدون عدالت اجتماعی، جامعه اسلامی نخواهد بود؛ بنابراین اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۰۹).

قبل از تعریف عدالت باید به این نکته توجه کرد که در جمهوری اسلامی عدل، یک نظام اجتماعی است و باید جامعه قائم به قسط باشد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱ / ۱۱ / ۰۱). در واقع باید قانون، اجرا، نظارت، قضاوت و تقسیم، عادلانه باشد (بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱ / ۱۰ / ۱۷).

در اندیشه رهبری و مطابق با آموزه‌های اسلامی، عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن؛ بر طبق حق عمل کردن و حق هر چیز و هرکسی را به او دادن (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و مردم، ۱۳۷۱ / ۱۰ / ۱۷). بر این اساس عدالت اجتماعی از نظر ایشان عبارت است از:

عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداریهایی ناحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضائی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود (پیام در چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۲۳)؛ بنابراین مؤلفه‌های عدالت اجتماعی از منظر رهبری عبارت‌اند از:

- نبود فاصله طبقاتی ژرف؛
- نبود برخورداریهایی ناحق؛
- از بین رفتن محرومیت‌ها؛
- امنیت قضایی.

سه مؤلفه اول، دارای ابعاد اقتصادی هستند؛ بنابراین به تبیین بیشتر آنها می‌پردازیم. در مورد مؤلفه اول باید اضافه کرد که عدالت به معنای برابری نیست. چون تلاش‌ها، همت‌ها و قوت‌ها مختلف است. بلکه باید هر کس بتواند به قدر همت و قوتش تلاش کند

و به اندازه تلاش عایدی داشته باشد (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶/۵/۱۲).

مؤلفه دوم، مربوط است به برخورداری از فرصت‌ها و امکانات کشور. از نظر رهبری نباید تبعیضی در بهره‌مندی از امکانات کشور و فرصت‌ها وجود داشته باشد؛ بلکه باید همه آحاد کشور بتوانند از امکانات و فرصت‌های کشور به صورت برابر بهره‌مند شوند (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱).

در مورد مؤلفه سوم، از نظر رهبری بخش مهمی از عدالت (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیات وزیران، ۱۳۷۴/۶/۸) و برترین گام در راه استقرار عدالت (پیام به مناسبت دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۰/۳/۱۳)، برطرف کردن فقر و محرومیت است. مطابق نظر رهبری، در نظام اسلامی همه برکات و نعمات متعلق به همه مردم است؛ بنابراین اگر کسانی در محرومیت به سر می‌برند، مسلماً حق آنان تضییع شده است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۹/۱۴). رهبری در سال‌های مختلف به مسئولین تذکر داده‌اند که رأس همه برنامه‌ریزی‌ها و هدف اصلی سیاست‌ها باید از بین بردن محرومیت‌ها باشد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، ۱۳۷۴/۶/۸) و همچنین صحت هر سیاست و برنامه اقتصادی، باید با چگونگی و اندازه پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود (پیام به مناسبت دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۰/۳/۱۳). البته دلیل این اهمیت نیز روشن است. مطابق روایت «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷) و بنا به فرمایش رهبری، فقر انسان‌ها را به فساد و کفر می‌کشاند؛ پس جامعه‌ای که در آن، فقر و مشکلات معیشتی وجود داشته باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند؛ بنابراین بهبود معیشت، مردم را به بهشت نزدیک می‌کند (بیانات در دیدار مردم ایلام، ۱۳۹۳/۲/۲۳).

۲. رشد اقتصادی

رشد اقتصادی، بدون شک یکی از هدف‌های اسلامی (بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳/۰۶/۲۵) و یکی از مؤلفه‌های پیشرفت است (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۷/۱/۱). نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است،

نه یک جامعه فقیر و عقب مانده. تولید ثروت در جامعه، باعث ایجاد اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی می‌شود (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۳/۰۳ / ۰۵ / ۱۳۹۱) و اگر ثروت در جامعه تولید نشود، حیات و بقای جامعه به خطر خواهد افتاد (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴ / ۰۲ / ۱۳۸۷). رهبری برای توضیح اینکه تولید ثروت در جامعه اسلامی امر ممدوحی است، اوقاف زیاد امیرالمؤمنین علیه السلام را که از طریق کار و تلاش ایجاد کرده بودند را مثال می‌زنند؛ لذا در سیره معصومین علیهم السلام، تولید ثروت فی‌نفسه امری پسندیده است. از نظر رهبری اگر قصد صرف این تولید ثروت، کار خیر یا پیشرفت کشور باشد، حسنه هم هست و ثواب دارد (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۸۵).

اهمیت رشد اقتصادی و تولید ثروت در نظام اسلامی به قدری است که از نظر رهبری هر توصیه و نسخه اقتصادی اگر علی‌الظاهر مستند به منابع دینی باشد ولی تولید ثروت نکند، اسلامی نیست. البته در قسمت قبل همین بیان از رهبری در مورد عدالت هم مطرح شد. در واقع از نظر رهبری هر الگو، توصیه و نسخه اقتصادی باید تولید ثروت و توزیع عادلانه و رفع محرومیت را تأمین کند، در غیر این صورت اسلامی نیست.

اما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو پایه اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد، کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۸۵).

همان‌طور که ذکر شد، از نظر رهبری، نظام اسلامی معتقد به جامعه ثروتمند است، بنابراین معتقد به رشد اقتصادی است، ولی رشد اقتصادی باید برای عدالت و رفاه عمومی باشد؛ بنابراین مسئله اول نظام اسلامی رشد اقتصادی نیست (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی، ۱۲ / ۰۵ / ۱۳۷۲). این موضوع نیاز به تبیین بیشتری

دارد. رهبری به صراحت دو نظریه اقتصادی در مورد نسبت عدالت و رشد را رد می‌کنند. ایشان نظریه اقتصادی‌ای که رشد و عدالت را ناسازگار می‌داند و معتقد است باید بین این دو یکی را انتخاب کرد، رد می‌کنند.

ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم. نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و باهم داشته باشیم و اینها باهم متنافی نیستند (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۰۶/۰۴).

همچنین نظریه اقتصادی‌ای که بیان می‌کند ابتدا باید دوره‌ای را به دنبال رسیدن به رشد و توسعه طی کرد و بعد به فکر رسیدن به عدالت بود را نیز به صراحت رد می‌کنند.

بعضی این‌طور تصور می‌کردند ... که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر اسلامی نیست (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، ۱۳۷۴/۸/۶).

در اندیشه ایشان نه تنها عدالت و رشد ناسازگار نیستند، بلکه عدالت باعث افزایش ثروت در جامعه خواهد شد؛ زیرا در جامعه‌ای که قانون، قضاوت، اجرا و نظر به آحاد ملت، عادلانه باشد، تلاش اجتماعی و اقدام سازنده اقتصادی هم در آن جامعه بهتر خواهد شد و ثروت هم بیشتر به آن جامعه رو خواهد آورد (بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷). همچنین اگر در جامعه‌ای که عدالت حاکم است، ثروت زیاد شود این ثروت درست تقسیم خواهد شد (بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷). در اندیشه اقتصادی رهبر معظم انقلاب رشد در مرتبه دوم نسبت به عدالت قرار دارد. از نظر ایشان هدف، زیاد داشتن نیست، بلکه اگر کم داشته باشیم، اما عادلانه عمل کنیم، به مراتب ترجیح دارد بر اینکه زیاد داشته باشیم و غیرعادلانه عمل کنیم (بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷)؛ بنابراین عدالت نسبت به رشد اقتصادی در اولویت است.

۳. رفاه مادی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصادی حیات طیبه، رفاه مادی است (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۸۳/۱/۲)؛ بنابراین تأمین رفاه مادی یکی از اهداف اقتصادی است (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین، ۱۳۸۲ / ۰۹ / ۲۵). همان‌طور که در قسمت عدالت ذکر شد، در نظام اسلامی، برکات و نعمات متعلق به همه مردم است؛ لذا در نظام اسلامی همه باید از رفاه برخوردار باشند؛ زیرا رسیدن به هدف نهایی نیازمند ابزارهای مادی و معنوی است. از این‌رو زندگی راحت برای انسان لازم و ضروری است (بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حضرت رضاعلیؑ، ۱۳۷۰ / ۰۱ / ۲۹). رفاه عمومی آنچنان مهم است که اگر نظام جمهوری اسلامی نتواند آن را تأمین کند، مطمئناً نخواهد توانست الگو و تجربه مطلوب را به دنیا ارائه کند (بیانات در مراسم تنفيذ حکم ریاست جمهوری حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۸ / ۰۵ / ۱۲). البته رفاه مادی به تنهایی هدف نیست (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۷۰ / ۰۱ / ۲۹). از نظر رهبری رفاه مادی عبارت است از:

رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف‌گرایی نیست - که خود، یکی از سوغات‌های شوم فرهنگ غرب است - بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم، فرهنگ، تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بر بندد (پیام در چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینیؑ، ۱۳۶۸ / ۰۴ / ۲۳).

در بیان فوق، رهبری نکات بسیار مهمی در مورد رفاه مادی بیان می‌کنند. ایشان عمران و آبادی، استخراج و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت، رونق اقتصادی به حد قابل قبول؛ تجربه همگانی شدن علم، فرهنگ و تحقیق و از بین رفتن نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی را از جمله مؤلفه‌های رفاه مادی بیان می‌کنند. نکته مهمی که رهبری به آن اشاره می‌کنند این است که این موارد باید با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی به دست آید. همچنین از نظر ایشان روحیه مصرف‌گرایی، به معنای رفاه مادی نیست.

۴. امنیت

از دیگر ابعاد حیات طیبه، امنیت است. طبق تصریح رهبر معظم انقلاب، امنیت جزء اهداف مقدماتی است که برای رسیدن به سعادت لازم است (بیانات در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰). امنیت اقتصادی یکی از وجوه امنیت است. امنیت اقتصادی از نظر رهبری عبارت است از:

«ما هم درباره امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی از هر نوعش امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند. ... امنیت اقتصادی یعنی اینکه انسان‌ها و آحاد مردم این کشور، از هر قشری، بخواهند کار اقتصادی بکنند چه کار صنعتی، چه کار کشاورزی، چه سرمایه‌گذاری، چه تجارت، بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهد شد» (بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

بنابراین از نظر رهبری امنیت اقتصادی عبارت است از اینکه اگر هر فعال اقتصادی اراده بر انجام کار اقتصادی داشت، بتواند با امنیت این کار را انجام دهد؛ اما باید توجه داشت امنیت اقتصادی به معنای باز گذاشتن راه برای افراد سودجو نیست:

مبادا کسی خیال کند که ایجاد امنیت اقتصادی، یعنی باز گذاشتن راه برای مفت‌خورهای اقتصادی، سوءاستفاده‌چی‌های اقتصادی و زالوهای اقتصادی! امنیت اقتصادی، به معنای این نیست که قوانین و مقررات سالم کشور، نادیده گرفته شود. ... معنایش آن نیست که آن کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ‌وخم‌های اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروت‌های نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان امنیت اقتصادی انجام دهند (بیانات در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰).

۵. استقلال اقتصادی

استقلال از جمله مؤلفه‌های حیات طیبه است (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۴/۶/۲۵). همچنین به تصریح رهبر معظم انقلاب، اساس سعادت در یک جامعه عبارت

است از اینکه آن جامعه بتواند مستقل زندگی کند، بیندیشد، سازندگی کند، در کمال استقلال راه خود را برود و هدف خود را انتخاب کند (بیانات در دیدار آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰)؛ بنابراین استقلال، به عنوان یک هدف مقدمی در نظر گرفته می‌شود. استقلال نیز شبیه امنیت، جنبه‌های گوناگونی دارد. استقلال اقتصادی از نظر رهبر معظم انقلاب عبارت است از:

استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا دادوستد نمی‌کند، نه؛ اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند؛ ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد، نتوانند او را به‌آسانی کنار بگذارند، نتوانند او را به‌آسانی محاصره کنند، نتوانند او را به‌آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۲/۱۵).

بنابراین استقلال اقتصادی از منظر رهبری عبارت است از اینکه یک کشور در تأمین نیازهای اساسی وابسته به دیگران نباشد و حضور مقتدرانه در بازارهای دنیا داشته باشد. رهبری در بیان دیگری به صورت جزئی‌تر قطع وابستگی در زمینه‌های پول، سازوکارهای اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را از مسئولان خواستار شده‌اند (بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش، ۱۳۷۵/۱/۲۷). وابستگی در زمینه پول از دو جنبه قابل بررسی است. یک جنبه وابستگی به ارزهای خارجی مثل دلار و یورو است. به این معنی که مبادلات بین المللی فقط با این دو ارز انجام شود. در این صورت، چون ارزش این دو ارز تحت تأثیر اقتصاد جهانی است، می‌تواند بر اقتصاد کشور ما اثرگذار باشد. همچنین ممکن است به دلایلی مثل تحریم، آمریکا و اروپا استفاده کشور ما از دلار و یورو را محدود کنند. برخی از کشورهای دنیا برای در امان ماندن از این وابستگی به پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه رو آورده‌اند (قوامی، ۱۳۹۵). از جنبه دیگر نیز می‌تواند اشاره به وابستگی به درآمدهای نفتی باشد. وابستگی در زمینه سازوکارهای اقتصادی نیز اشاره به پیروی بدون قید و شرط از الگوها و سیاست‌های اقتصاد متعارف و همچنین نسخه‌های بانک جهانی و سازمان جهانی پول است. رهبری در موارد متعدد، به کار بستن الگوهای غربی و نسخه‌های بانک جهانی

را نهی نموده‌اند (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۲/۲۵). وابستگی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی نیز اشاره به وابستگی زیاد به کالاهای واسطه‌ای و همچنین وابستگی به تکنولوژی خارجی دارد.

در این میان برخی بر جهانی‌شدن تکیه می‌کنند و ورود به بازارهای جهانی را یکی از الزامات توسعه می‌دانند (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷)؛ اما جهانی‌شدن که در واقع به معنای هضم شدن در ماشین سرمایه‌داری است، مورد قبول رهبری نیست؛ بنابراین ایشان استقلال اقتصادی را به طور خلاصه هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی نیز معنا می‌کنند (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

اهداف معنوی

مطابق دلالت ذکر شده از مبانی انسان‌شناسی، انسان، موجودی دو بعدی است؛ بنابراین حیات طیبه باید جنبه مادی و معنوی انسان را تأمین کند. بر این اساس نظام اسلامی باید اهداف مادی و معنوی را در کنار هم دنبال کند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۸/۰۲/۱۳۸۴). از نظر رهبری، اگر ما توانستیم در میدان پیشرفت مادی، موفقیت‌هایی به دست آوریم، اولین کشوری خواهیم بود که توانسته‌ایم پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته معنویت به دست آوریم و این یعنی یک تمدن جدید.

اگر این کشور توانست در میدان‌های تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت‌هایی دست پیدا کند، این اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته فضیلت و معنویت به دست آورد؛ این می‌شود یک تمدن جدید. این در تاریخ کم‌سابقه است و در مقابل تمدن غربی یک پدیده به‌شدت هشداردهنده است (بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۱).

در واقع تمدن نوین اسلامی، تمدنی است سرشار از معنویت که با کمک و هدایت معنویت پیش می‌رود (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). این در حالی است که تمدن غرب، غرق در مادیات است (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام در مرقد مطهر، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴)؛ اما پیام و وجهه بین‌المللی

انقلاب اسلامی، توجه به معنویت و واردکردن عنصر معنویت در زندگی است. هر جا نام و پیام انقلاب نفوذ کرد، معنویت را به همراه برده است. در واقع رد پای انقلاب اسلامی و اولین پیام آن معنویت است (بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام در مرقد مطهر، ۱۴/۰۳/۱۳۷۴).

از نظر رهبر معظم انقلاب و از دیدگاه اجتماعی، رونق اقتصادی بدون معنویت نمی تواند خوشبختی را برای یک کشور به ارمغان آورد (بیانات در اولین روز ورود به ساری، ۲۲/۰۷/۱۳۷۴). بدون معنویت ممکن است همه دستاوردهای پیشرفته بشر در راههای غلط مصرف شود؛ یعنی ممکن است یک کشور از لحاظ رفتارهای اجتماعی منضبط، مؤدب و با اخلاق باشد، ثروت و علم را به دست بیاورد، اما در عین حال، ثروت و علم و انضباط مردمی خودش را برای نابود کردن یک ملت دیگر به کار گیرد (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۸/۰۸/۱۳۸۵). حتی بدون معنویت، عدالت محقق نمی شود و تبدیل به ظاهرسازی و ریاکاری می شود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۰۲/۰۶/۱۳۸۷). از نظر ایشان، رفاه و زندگی سعادت‌مندانانه جز با کمک فضای معنوی و روح لطیف دینی، به هیچ وجه قابل دسترس نیست (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام، ۰۲/۱۰/۱۳۸۳). از نظر رهبری بسیاری از مشکلاتی که در دنیا پیش آمده است به خاطر نگاه مادی به اقتصاد، پول و ثروت است. البته می توان این نگاه را اصلاح کرد. اسلام برای ثروت اهمیت و اعتبار قائل است و تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ البته با نگاه معنوی. نگاه معنوی این است که از ثروت برای فساد، ایجاد سلطه و اسراف نباید استفاده کرد؛ بلکه باید برای سود جامعه بهره برد- برد (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹).

وظایف فردی

همان‌طور که ذکر شد، مطابق مبانی جامعه‌شناسی، باید از نگاه فردی نیز به ترسیم اهداف پردازیم. در نگاه به انسان به عنوان یک فرد، انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی (بیانات در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹)؛ بنابراین مسئولیت‌ها و وظایفی بر عهده دارد. در این نگاه که یک فرد مورد خطاب است، انسان

رهرویی است که مسئولیتش حرکت در مسیر خودپرستی تا خداپرستی است. جاده این مسیر، انجام واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی، موتور حرکت در این راه و ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه این راه است. دیگران بروند یا نروند، دنیا را ظلمت کفر پر کند یا نور ایمان، فرد باید در این مسیر حرکت کند (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵). به طور منطقی هدف این حرکت و این تلاش، رسیدن به هدف نهایی، یعنی سعادت انسان است (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳). اگر انسان به این دستورالعمل و نسخه‌ای که به او داده شده است، عمل کند، رستگار می‌شود؛ بنابراین همان‌طور که ذکر شد، در نگاه فردی به انسان، انسان مکلف است و مسئولیت دارد مسیری را طی کند و وظایفی نیز در این مسیر بر عهده دارد؛ بنابراین مطابق نظر رهبری، در این قسمت به جای استفاده از عبارت «اهداف فردی» باید از واژه «وظایف فردی» استفاده نماییم. با این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، از نظر اقتصادی فرد باید وظایفی را انجام دهد تا مقدمه تحقق هدف نهایی فراهم شود. در ادامه به بررسی این وظایف می‌پردازیم.

۱. عبودیت و اطاعت خداوند و سرپیچی از اطاعت «انداد الله»

عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ یعنی هم اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار و هم سرپیچی از اطاعت «انداد الله» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲). دلالت اقتصادی این امر آن است که اولاً فرد باید در امور اقتصادی همانند سایر امور متعبد باشد و به تکلیف شرعی خود عمل کند. دوماً نظام‌ها، قوانین، الگوها، سیاست‌ها، سازمان‌ها و عادت‌هایی که بر اساس مادی‌گرایی بنا نهاده شده‌اند از مصادیق اندادالله هستند؛ لذا پیروی از آنها به منزله عبادت غیر خدا است.

۲. هدف گرفتن تعالی انسان: تعالی خود و تعالی دیگران

از نظر رهبری فرد باید برای تعالی خود و دیگران تلاش کند (همان). این تعالی جنبه اقتصادی هم دارد. از نظر ایشان، جنبه اقتصادی به معنای پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی خود و دیگران است و بر این اساس باید زندگی به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش برود. به طور منطقی، پیشرفت امور اقتصادی خود و دیگران تنها

شامل اتفاق نیست. بلکه باید مدل‌هایی وجود داشته باشد تا طبق آن مدل‌ها این امر امکان‌پذیر شود.

۳. ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی در صورت تعارض با یکدیگر

فرد باید تلاش کند سود دنیوی را در جهت هدف‌های اخروی قرار دهد. اگر در موقعیتی بین سود دنیوی و اهداف اخروی ناسازگاری پیش آمد، فرد باید فلاح اخروی را ترجیح دهد (همان). لازم به ذکر است از نظر رهبری باید بین سود مشروع و غیر مشروع تفاوت ایجاد کرد. همان‌طور که ذکر شد، در نظام اسلامی، تولید ثروت و کسب سود از راه‌های صحیح مشروع و مورد تأکید است. البته باید توجه داشت نباید ارزش‌ها تبدیل به پول شوند (بیانات در دیدار مدیران صداوسیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵). در همین راستا، رهبری به اصناف و بازرگانان توصیه می‌کند در اساسی‌ترین میدان‌ها، یعنی میدان اقتصادی در خدمت نظام انقلابی باشند و فقط برای سود شخصی فعالیت نکنند (بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اصناف، ۱۳۷۰/۴/۱۳).

۴. اصل مجاهدت، تلاش و مبارزه

یکی از کارهای واجب هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع، این است که در راه هدف، تلاش و مبارزه کند (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۰۹). فرد باید تنبلی، بی‌عملی و بی‌تعهدی را کنار بگذارد. در دنیای مادی فرد و ملتی که کار کنند، فکر کنند و سختی‌ها را تحمل کنند، به امکانات مادی، رفاه و پیشرفت خواهند رسید. در میدان معنویات هم این‌گونه است. ملت‌هایی که مجاهدت کنند، ایثار کنند، فداکاری کنند، خداوند همه چیز، به آنها خواهد داد. در واقع به هیچ فرد و ملتی چیزی از خزانه غیب نمی‌دهند، مگر با تلاش و کوشش (بیانات در دیدار ایثارگران و ...، ۱۳۷۶/۵/۲۹).

۵. امید به پیروزی در همه شرایط؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد.

مطابق این وظیفه کسی که مشغول مجاهدت در راه خداست، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. در ارتباط با این موضوع در قسمت جهاد مطالبی ذکر شد (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۲/۰۹/۱۳۷۹).

۶. زهد

اسلام در نگاه به انسان، به عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۶/۲/۲۵). رهبری مکرر این مورد را تذکر داده‌اند. زهد به معنای بی‌اعتنایی به دنیا است. البته باید توجه داشت زهد به معنای بی‌اعتنایی به تلاش در دنیا نیست؛ بلکه زاهد کسی است که زحمت‌ها را می‌کشد، مجاهده و مبارزه می‌کند، خود را در میدان‌های مبارزه به خطر می‌اندازد تا پای جان هم پیش می‌رود، جسم، روح و دارایی‌اش را هم در راه ساختن دنیای خوب مصرف می‌کند؛ ولی وقتی نوبت برداشت شخصی از خزانه دنیا می‌رسد، کم برمی‌دارد. کسی که کار بیشتری در مقابل برداشت کمتر ارائه می‌دهد، مقرب‌تر و موفق‌تر است (بیانات در جمع تعدادی از قضات و اعضاء دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳). باید توجه نمود، کم برداشتن از خزانه دنیا به معنای سرکوب‌گریز مادی نیست؛ بلکه در حد طبیعت انسان، به‌طور معمول لذات و زیبایی‌های زندگی را هم مورد استفاده قرار می‌دهد؛ اما نه با ولع و نه مثل یک انسان حریص (بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

با این نوع نگاه به فرد، هدف انسان بسیار فراتر از عالم ماده است و نگاه معنوی، تأثیر بسزایی دارد. از دیدگاه فردی، هر انسانی بر حسب نوبت، فرصت و سهمی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... دارد. این فعالیت‌ها از دو حال خارج نیستند؛ یا انسان را در آن سیر معنوی که اساس خلقت انسان برای آن است و بقیه چیزها مقدمه آن هستند، پیش می‌برد و یا آن را باز می‌دارد. همه تلاش ادیان الهی، سلوک معنوی، سعی پیغمبران و شهادت‌های مردان بزرگ خدا برای این است که بشر را به راه اول بکشانند و در صراط مستقیم قرار دهند. یعنی بشر به سمت خدا حرکت کند و عروج معنوی و کمال انسانی بیابد (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰/۰۸/۱۳۷۴). البته آنچه در عالم ماده

است، به عنوان مقدمه رسیدن به اهداف نهایی است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

نتیجه‌گیری

پیشرفت برای جمهوری اسلامی یک ضرورت است؛ زیرا عدم پیشرفت از یک طرف به معنای توقف است و توقف نیز منجر به عقب‌گرد می‌شود و از طرف دیگر نیز کفران نعمت است. یکی از ابعاد پیشرفت، پیشرفت در اقتصاد است. پیشرفت در اقتصاد نیازمند الگو است و اولین قدم در طراحی الگو، تعیین هدف است. بر اساس نظر رهبر معظم انقلاب، اهداف باید بر اساس مبانی هستی‌شناسی تنظیم شوند. در این مقاله نظام اهداف پیشرفت اقتصادی بر اساس دلالت‌های مبانی هستی‌شناختی با روش تحلیل متن، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و سپس تبیین شده‌اند. مطابق دلالت‌های مبانی، در تنظیم نظام اهداف، باید ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و دنیوی و اخروی در نظر گرفته شود. بر اساس نتایج، هدف نهایی سعادت و هدف میانی تشکیل حیات طیبه است. حیات طیبه دارای وجوه مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... است. هرکدام از این وجوه دارای دو مؤلفه فردی و اجتماعی هستند و هرکدام از این دو مؤلفه، دارای ابعاد مادی و معنوی هستند. در وجه اقتصادی، اهداف مقدماتی (اهداف اجتماعی مادی) شامل عدالت، رشد، رفاه مادی، امنیت و استقلال است. بدون تحقق معنویت اجتماعی، اهداف اجتماعی محقق نمی‌شود. برای فرد در بعد مادی و معنوی نیز وظایف و مسئولیت‌هایی وجود دارد. این وظایف به طور خلاصه عبارت‌اند از: عبودیت خداوند و سرپیچی از اطاعت «انداذ الله»؛ هدف گرفتن تعالی انسان، تعالی خود و تعالی دیگران؛ ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی اگر باهم تعارض پیدا کردند؛ مجاهدت، تلاش و مبارزه؛ امید به پیروزی در همه شرایط، به شرط جهاد فی سبیل‌الله و زهد. به لحاظ معنوی نیز انسان وظیفه دارد در سیر معنوی که او را به هدف خلقت می‌رساند، حرکت کند.

منابع و مأخذ

۱. ایزدی، مهدی؛ «مفهوم، ارکان و شاخص‌های پیشرفت اقتصادی از منظر قرآن و حدیث»؛ دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ش ۱۸، ۱۳۹۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در سال‌های مختلف.
۳. ثابت، سید عبدالحمید و همکاران؛ ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام؛ قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۳.
۴. سجادی، سید جعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چ ۲، ۱۳۶۶.
۵. سرخه‌دهی، فاطمه و ریحانه نادری نژاد؛ «اقتصاد مردمی، نقطه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»؛ پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵.
۶. شفیعا، محمدعلی و سیده اشرف موسوی لقمان؛ «نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۵۱، ۱۳۹۲.
۷. جرجانی، علی بن محمد؛ کتاب التعریفات؛ مصر: الخبریه، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۰۶.
۸. صادقی شاهدانی، مهدی و حسین محسنی؛ «بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»؛ دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۰، ۱۳۹۲.
۹. فاکر میبدی، محمد؛ «اهداف پیشرفت از نگاه قرآن»؛ قرآن و علم، ش ۱۵، ۱۳۹۳.
۱۰. قاضی میرسعید، علیرضا و حسین تاج‌آبادی؛ «مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری»؛ فصلنامه مدیریت اسلامی، ش ۳، ۱۳۹۵.
۱۱. قوامی، سیدحسن؛ «ضرورت و کارکردهای پیمان‌های دو یا چندجانبه ارزی در شرایط تهدید و تحریم اقتصادی»؛ آفاق امنیت، ش ۳۱، ۱۳۹۵.
۱۲. مطهری، مرتضی؛ عدل الهی، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
۱۳. معین، محمد؛ فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ششم، ۱۳۶۳.
۱۴. میرمعزی، سید حسین؛ نظام اقتصادی اسلام؛ مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. یوسفی، احمدعلی؛ نظام اقتصاد مقاومتی، قم: نگاه فارسی، ۱۳۹۵.